


نوع مقاله: پژوهشی

## مفسران برجسته حوزه علمیه قم در سده اخیر؛ آیت‌الله جعفر سبحانی\*

محمد مهدی منصوری / استادیار گروه «معارف قرآن و حدیث» دانشگاه معارف اسلامی قم

mansouri@maaref.ac.ir

 orcid.org/0000\_0003\_0475\_7476

علی الوندی / دانشجوی کارشناسی ارشد «مدرسه معارف قرآن و حدیث» دانشگاه معارف اسلامی قم

ALi.Alvandi154@gmail.com

دریافت: ۱۴۰۲/۱۲/۱۰ - پذیرش: ۱۴۰۳/۰۲/۱۲

### چکیده

در سده چهاردهم شمسی، حوزه علمیه قم شاهد ظهور عالمان و مفسران برجسته‌ای بوده است. این مقاله با روش «توصیفی - تحلیلی» به بررسی شخصیت علمی آیت‌الله جعفر سبحانی از دانشمندان بزرگ حوزه علمیه قم در سده اخیر پرداخته است. هدف پژوهش حاضر واکاوی ویژگی‌های علمی این عالم فاضل در دانش تفسیر قرآن است. بررسی‌ها نشان می‌دهد که آیت‌الله سبحانی شخصیتی اثرگذار و مفسری توانا و پرکار و دارای آثار فراوان در تفسیر و پژوهش‌های قرآنی است. ویژگی‌های اقدامات و آثار علمی ایشان در تفسیر موضوعی قرآن عبارت‌اند از: اولویت‌دهی به تفسیر موضوعی، توجه به مباحث کلامی و شبهات مرتبط با آنها، توجه به روش تفسیر قرآن به قرآن، اجتهاد در به‌کارگیری روایات تفسیری، رعایت نظم ترتیبی و موضوعی در تفسیر. اما ویژگی آثار ایشان در تفسیر ترتیبی قرآن را می‌توان توجه فراگیر به مباحث علوم قرآن با توجه به نقش پایه‌ای آنها برای تفسیر قرآن، خرق سنت‌های گذشته در تألیف تفسیر قرآن بر حسب ترتیب مصحف و عنایت به جامعیت موضوعی مباحث در تفسیر هر دسته از آیات برشمرد.

**کلیدواژه‌ها:** شخصیت‌های تفسیری، مفسران برجسته شیعه، حوزه علمیه قم، مفسران سده چهاردهم، آیت‌الله جعفر سبحانی.

## مقدمه

دانش تفسیر قرآن به‌مثابه یکی از باسابقه‌ترین علوم اسلامی، از صدر اسلام تا کنون همواره مطمح نظر اندیشمندان اسلامی بوده است. عالمان مسلمان در هر عصری با توجه به استعداد و قابلیت خویش و شرایط جامعه خود، با عشقی سرشار به تحصیل و تحقیق به تفسیر قرآن کریم روی آورده و بدان اهتمام ورزیده‌اند. در حوزه علمی قم، همواره نوعی اقبال به تفسیر قرآن و گرایش به تحصیل و تحقیق بین طالبان علوم اسلامی وجود داشته است. این گرایش در سده اخیر در حوزه علمی قم رشد قابل توجهی را نشان می‌دهد.

*آیت‌الله جعفر سبحانی* از شمار اندیشورانی است که در کنار تحصیل و تحقیق در فقه و اصول و فلسفه و کلام و حدیث و رجال و تاریخ، به تفسیر و علوم قرآن نیز علاقه وافری نشان داده و در این راه با تلاش‌های علمی مجدانه، آثار فراوان و ارزشمندی را خلق نموده و در توسعه و تعمیق مطالعات قرآنی سده اخیر تأثیر شایسته‌ای داشته است. هدف از این تحقیق، بازنمایی شخصیت علمی و آثار تفسیری *آیت‌الله جعفر سبحانی* و تأثیر ایشان بر مطالعات قرآنی دوره معاصر است که به شیوه «مطالعه کتابخانه‌ای» و روش پردازش «توصیفی - تحلیلی» صورت گرفته است.

## پیشینه

درارتباط با پیشینه موضوع بحث، اثری که به بررسی ویژگی‌های شخصیت علمی و فعالیت‌های قرآنی و تفسیری *آیت‌الله سبحانی* پرداخته باشد، یافت نشد. تنها برخی کارهای علمی با اهداف متفاوت و درباره ایشان و آثارشان انجام شده است؛ از جمله:

- پایان‌نامه *بررسی تطبیقی مبانی و شیوه‌های تفسیری آیت‌الله جوادی آملی و آیت‌الله سبحانی در تفسیر موضوعی (با محوریت منشور جاوید و تفسیر موضوعی جوادی آملی)*، (طالبی، ۱۳۹۰).

- پایان‌نامه *مبانی و روش تفسیری آیت‌الله سبحانی در تفسیر منیه الطالبین فی تفسیر القرآن المبین*، (باقری زارع، ۱۳۹۵).

- مقاله «جایگاه سیاق و نظم موضوعی در تفسیر منشور جاوید»، (پرچم و نودری، ۱۳۸۹).

- مقاله «بررسی روش تفسیری آیت‌الله سبحانی در تفسیر موضوعی منشور جاوید»، (علیانسب و فردی، ۱۳۹۷).

این پژوهش‌ها عمدتاً در باره فعالیت‌های تفسیری *استاد سبحانی* انجام شده و کمتر به شخصیت تفسیری و قرآنی ایشان و نیز ویژگی آثار تفسیری وی اشاره کرده است.

## ۱. زندگی‌نامه آیت‌الله سبحانی و فعالیت‌های قرآنی ایشان

*آیت‌الله جعفر سبحانی* در ۲۰ فروردین ۱۳۰۸ ش در تبریز، در خانواده علم و تقوا و فضیلت دیده به جهان گشود. پدر ایشان، مرحوم *آیت‌الله حاج شیخ محمدحسین سبحانی خیابانی* یکی از عالمان و فقیهان وارسته تبریز بود که بیش از پنجاه سال به کار تدریس، تألیف، راهنمایی مردم و پرورش شاگردان در آن دیار اشتغال داشت.

استاد سبحانی مشغول تحصیل در سطوح عالی در تبریز بود که تحولات سیاسی و تشکیل حکومت محلی وابسته به شوروی، عرصه را برای تحصیل طلاب در مدارس علمی تبریز تنگ کرد. به همین علت، لازم دید محیط تحصیل خود را تغییر داده، رهسپار حوزه علمیه قم شود.

در مهرماه ۱۳۲۵ شمسی وارد قم شد و به تکمیل سطوح همت گماشت. ایشان پس از تکمیل سطوح عالی در سال ۱۳۲۸ ش / ۱۳۶۹ ق، به دروس خارج فقه و اصول راه یافت و به خوشه‌چینی از محضر بزرگانی همچون مرحوم آیت الله العظمی بروجردی<sup>ره</sup>، مرحوم آیت الله حاج سید محمد حجت کوه‌کمری<sup>ره</sup> و مرحوم آیت الله العظمی امام خمینی<sup>ره</sup> پرداخت. معظم له غیر از تحصیل فقه و اصول، به آموختن فلسفه و کلام و تفسیر نیز همت گماشت. استاد سبحانی در حوزه علمیه قم مطالعات فلسفی و تفسیری خویش را با شرکت در درس‌های فلسفه و تفسیر حضرت آیت الله سید محمد حسین طباطبائی تکمیل نمود. ایشان همزمان، در جلسات خصوصی علامه طباطبائی هم که در آن فلسفه‌های مادی نقد می‌شد، شرکت می‌کرد.

استاد سبحانی در زمینه فعالیت‌های مربوط به قرآن کریم و تفسیر آن، در شاخه‌های گوناگونی همچون تفسیر ترتیبی، تفسیر موضوعی و مباحث علوم قرآنی قریب بیست اثر از خود به جای گذاشته است که برخی از این آثار تعداد مجلداتش به ۳۰ جلد می‌رسد و راه را برای آموختن تعالیم ناب اسلامی با قرائت صحیح شیعی برای آیندگان باز کرده است (پایگاه اطلاع رسانی دفتر آیت الله سبحانی، تاریخ بازدید ۱۴۰۲/۲/۲۳).

## ۲. آثار علمی آیت الله سبحانی در تفسیر قرآن

آیت الله سبحانی در عمر بابرکت بیش از ۹۰ ساله خویش که ۷۵ سال آن را در حوزه علمیه قم به تحصیل، تدریس، تحقیق و تألیف سپری کرده، در عین حال که فقیهی اصولی و متکلمی توانا و مورخی زبردست و رجالی و سیره‌پژوهی دقیق است، مفسری پرتلاش و پرکار نیز بوده و آثار ارزنده‌ای را در تفسیر قرآن تألیف کرده که سه اثر در این میان برجسته‌تر است؛ دو اثر در تفسیر موضوعی به نام‌های تفسیر *منشور جاوید* به فارسی (در ۱۴ جلد) و *مفاهیم القرآن* به عربی (در ۱۰ جلد) و یک اثر حجیم در تفسیر ترتیبی قرآن با نام *منیة الطالبین فی تفسیر القرآن المبین* (در ۳۰ جلد).

البته ایشان علاوه بر سه اثر بزرگ یادشده، به تألیف تک‌نگاری‌های متعددی هم در تفسیر بعضی از سوره‌های قرآن یا تفسیر برخی موضوعات موفق شده است که به ۱۵ اثر تک‌نگاری تفسیری ایشان اشاره می‌کنیم:

*مربی نمونه* (تفسیر سوره لقمان)، *قرآن و اسرار آفرینش* (تفسیر سوره رعد)، *در سرزمین تبوک* (تفسیر سوره توبه)، *دوست‌نماها* (تفسیر سوره منافقون)، *سیمای انسان کامل در قرآن* (تفسیر سوره فرقان)، *قرآن و معارف عقلی* (تفسیر سوره حدید)، *التوحید و الشرك فی القرآن الکریم*، *تفسیر صحیح آیات مشکله قرآن، الأقسام فی القرآن الکریم، الأمثال فی القرآن الکریم، أهل البيت* *سماتهم و حقوقهم فی القرآن، تفسیر السور المسبحات الخمس، العوالم الغیبیة فی القرآن الکریم، معالم النبوة فی القرآن الکریم، و اصالت روح از نظر*

قرآن. در مجموع تالیفات تفسیری ایشان بالغ بر ۲۰ عنوان و قریب ۷۰ جلد، اعم از تفسیر موضوعی و ترتیبی است. با توجه به کثرت و تنوع آثار تفسیری آیت‌الله سبحانی برای بررسی ویژگی‌های آنها بحث را در دو محور «آثار تفسیر موضوعی» و «آثار تفسیر ترتیبی» جداگانه پی می‌گیریم:

## ۲-۱. تفسیر موضوعی

اشاره شد که استاد سبحانی دارای دو اثر مهم در تفسیر موضوعی به نام‌های تفسیر منشور جاوید و مفاهیم القرآن است و علاوه بر آن دو تک‌نگاری‌های موضوعی در تفسیر هم دارد. اما این دو اثر را باید نخستین آثار شاخص تفسیری ایشان به حساب آورد. درباره اقدامات و فعالیت‌های استاد سبحانی در مطالعات تفسیر موضوعی و نیز ویژگی‌های خاص آثار ایشان، در این زمینه نکاتی را در چند محور عرضه می‌کنیم:

### ۱-۲. اولویت دادن به تفسیر موضوعی قرآن

منشور جاوید بنا بر نظر برخی، اولین تفسیر موضوعی انتشار یافته قرآن کریم به زبان فارسی است (معرفت، ۱۴۱۹، ج ۲، ص ۵۳۱). این کتاب به شیوه‌ای خاص نگارش یافته و مؤلف اهتمام خود را بر مسائل اجتماعی و کلامی نهاده است (مؤدب، ۱۳۹۰، ص ۲۸۳).

استاد، خود می‌گوید: نگارنده بهترین شیوه تفسیر آیات را تفسیر بر اساس موضوع به‌شکل کامل دانسته است (همان). ایشان هدف از نگارش تفسیر موضوعی را دستیابی به نظر قرآن در موضوعات محل بحث می‌داند (سبحانی، ۱۳۸۳، ج ۱، ص ۱۹). ایشان همچنین دعوت مفسران مسلمان به خودداری از تفسیر سوره به سوره و آیه به آیه قرآن را از دیگر انگیزه‌های خود در نگارش این کتاب بیان نموده است (همان، ص ۱۱).

آیت‌الله سبحانی در مقدمه کتاب مفاهیم القرآن، روش تفسیری خود را بدیع دانسته، می‌نویسد: تا کنون چنین تفسیری در میان مفسران وجود نداشته است (سبحانی، ۱۴۲۲، ج ۳، ص ۳۵). در مقدمه منشور جاوید هم روش تفسیری خود را انقلابی در جهان تفسیر (سبحانی، ۱۳۸۳، ج ۱، ص ۱۱) و ظهور چهره‌ای تازه از تفسیر عنوان می‌کند (همان، ص ۱۷) البته ایشان در همین مقدمه، علامه مجلسی را نخستین کسی می‌داند که این روش را به کار گرفته، ولی پس از او این روش پیگیری نشده (سبحانی، ۱۳۸۳، ج ۱، ص ۲۴) و به همین علت بعضی استاد سبحانی را تنها احیاگر آن خوانده‌اند (طالبی، ۱۳۹۰، ص ۱۴۰).

بنا بر آنچه بیان شد، ایشان خلأ موجود در زمینه تفسیر قرآن کریم را مسئله نبود تفسیر موضوعی جامع و کامل می‌داند. از این‌رو اولویت خاصی برای پرداختن به موضوعات قرآنی در خلال مباحث تفسیر موضوعی خود نسبت به بیان تفسیر ترتیبی قایل است و همان‌گونه که اشاره شد، دیگران را نیز به همین روش دعوت می‌نماید.

البته باید متذکر شد که ایشان تفسیرهای ترتیبی هم از سور قرآن کریم دارد، ولی هیچ‌کدام به قوت و جامعیت منشور جاوید نبوده است که از میان آنها می‌توان هفت جلد کتاب را نام برد که به تفسیر ترتیبی سوره‌هایی همچون رعد و لقمان و حدید می‌پردازد.

## ۲-۱-۲. عنایت ویژه به مباحث کلامی

یکی از ویژگی‌های *آیت‌الله سبحانی* این است که ایشان در تفسیر *منشور جاوید* بر پاسخ‌گویی به شبهات کلامی، اعتقادی و حتی تاریخی و فقهی، با استفاده از آیات قرآن کریم تأکید دارد. این خصیصه، به‌ویژه در تفسیر موضوعی *منشور جاوید* تجلی دارد. برای مثال، می‌توان مسئله «عصمت» را در این اثر فخیم بیان نمود (سبحانی، ۱۳۸۳، ج ۴، ص ۳). با ملاحظه عناوین کلی این کتاب، می‌بینیم که ایشان از بررسی عصمت در دیدگاه عقل و قرآن شروع کرده است، تا آنجا که به مراحل و دلایل عصمت می‌رسد و بعد به دستاویزهای مخالفان عصمت می‌پردازد.

*آیت‌الله سبحانی* در این جلد آیاتی از قرآن کریم را که درباره مسئله عصمت پیامبرانی همانند حضرت آدم، نوح، یوسف، موسی، سلمان، ایوب و یونس مطرح شده و دیگران احیاناً برداشت نادرستی از آن آیات کرده‌اند و یا دستاویز مخالفان عصمت قرار گرفته، تک‌تک آنها را بررسی کرده و پاسخ داده است.

این رویکرد به مباحث کلامی، عقلی و فلسفی در مباحث تفسیری *آیت‌الله سبحانی*، به‌ویژه در جای جای تفسیر *منشور جاوید* مشهود است و یکی از برجستگی‌های آثار تفسیری ایشان به شمار می‌آید.

## ۲-۱-۳. توجه خاص به روش تفسیر قرآن با قرآن

یکی از پرسابقه‌ترین روش‌های تفسیر قرآن کریم روش «تفسیر قرآن با قرآن» است. این یکی از اقسام روش‌های نقلی تفسیر به شمار می‌آید و درباره کمتر روش تفسیری همچون این روش اتفاق نظر وجود دارد و همه مفسران و صاحب‌نظران - جز تعداد اندکی - این روش را پسندیده‌اند. اهمیت این روش هنگامی روشن می‌شود که بدانیم تفسیر موضوعی قرآن بدون استفاده از روش «تفسیر قرآن به قرآن» ممکن نیست (رضائی اصفهانی، ۱۳۸۲، ص ۵۵).

*استاد سبحانی* نیز بر این باور است که اساس حقیقی تفسیر موضوعی را دو مطلب تشکیل می‌دهد: ۱. تفسیر قرآن به خود قرآن؛ ۲. تفسیر قرآن به شکل موضوعی. در ادامه، ایشان تصریح می‌کند که شیوه «تفسیر قرآن به قرآن» بهترین راه برای فتح بلندای علمی قرآن و کشف نهفته‌ها و گنجینه‌های گرانبهای آن است.

ایشان معتقد است: قرآنی که تبیان برای همه چیز و دارای صفات هدایت، بینه، فرقان و نور است، باید روشنگر خود و توضیح‌دهنده خویش نیز باشد و هرگز معقول نیست کتابی جداکننده حق و باطل و سراسر نور و روشنی و برهان باشد، ولی مقاصدش آنچنان پیچیده باشد که انسان در فهم مفاهیم آن متحیر گردد. بر این اساس باید در تفسیر آیات به خود قرآن مراجعه کرد و آیه‌ای را به کمک آیه‌ای دیگر - که در این زمینه وارد شده - تفسیر نمود. این نوع تفسیر یگانه روشی است که از پیامبر اکرم و اهل‌بیت علیهم‌السلام در تفسیر قرآن به یادگار مانده است (سبحانی، ۱۳۸۳، ج ۱، ص ۱۱-۱۳).

ایشان تفسیر قرآن به قرآن را غیر از مسئله «توجه به هماهنگی مجموع آیات قرآن» می‌داند و هدف از نوع اول را ابهام‌زدایی از آیات به وسیله دیگر آیات می‌داند، در حالی که در نوع دوم هدف این است که در برداشت از یک آیه نباید آیات دیگر قرآن را از نظر دور داشت (همان، ج ۱۴، ص ۴۴۳).

برای مثال، آیت‌الله سبحانی در پاسخ به این سؤال که آیا ابلیس از فرشتگان بود؟ ابتدا با توجه به آیه ۵۰ سوره کهف، ابلیس را از جنیان می‌داند و در ادامه آیاتی از قرآن را که درباره ویژگی فرشتگان است، ارائه نموده، می‌نویسد: با توجه به این آیات، لسان فرشتگان به گونه‌ای است که قابل تخصیص نیست. سپس مؤید دیگری برای این مطلب می‌آورد و آن اینکه با توجه به آیه ۵۰ سوره کهف، شیطان دارای ذریه است که نتیجه تلاقی مذکر و مؤنث است.

در ادامه با توجه به آیه ۶ سوره جن می‌فرماید: جنیان به دو دسته زن و مرد تقسیم می‌شوند و با استناد به آیه ۱۹ سوره زخرف می‌گوید: درخصوص فرشتگان مسئله مذکر و مؤنث مطرح نیست. در آخر می‌نویسد: این آیه به گونه‌ای درباره شیطان داوری می‌کند که نقطه مقابل فرشتگان قرار می‌گیرد (همان، ج ۱۱، ص ۶۶-۶۷).

نویسنده منشور جاوید از تفسیر قرآن به قرآن برای توضیح معنای قرآنی یک واژه نیز استفاده کرده است. برای مثال، در مبحث «سرگذشت یحیی» در بخش تفسیر موضوعی آیات، در توضیح واژه «و زكَاةً» (مریم: ۱۳) می‌فرماید: مقصود این است که نفس وی را از هرگونه آلودگی منزه ساخت؛ چنان که حضرت موسی علیه السلام درباره کودکی که توسط حضرت خضر علیه السلام به قتل رسید، گفت: «...أُتِلَّتْ نَفْسًا زَكِيَّةً بِغَيْرِ نَفْسٍ؟» (کهف: ۷۴) و مصاحب حضرت موسی علیه السلام در پاسخ وی گفت: «فَارَدْنَا أَنْ يَبْدِلَهُمَا رَبَّهُمَا خَيْرًا مِنْهُ زَكَاةً وَأَقْرَبَ رَحْمًا» (کهف: ۸۱). همچنین جبرئیل هنگام بشارت دادن حضرت مریم به عیسی علیه السلام گفت: «قَالَ إِنَّمَا أَنَا رَسُولُ رَبِّكِ لِأَهَبَ لَكِ غُلَامًا زَكِيًّا» (مریم: ۱۹؛ ر.ک. سبحانی، ۱۳۸۳، ج ۱۲، ص ۳۴۷).

#### ۲-۱-۴. اجتهاد در به کارگیری روایات تفسیری

روایات اهل بیت علیهم السلام نیز یکی دیگر از قراین ناپیوسته آیات به شمار می‌رود که توجه به آن به مقتضای روش گفت‌وگوی عقلانی مورد تأکید آیات و روایات است (رجبی، ۱۳۸۵، ص ۱۵۹-۱۶۰).

استاد سبحانی مراجعه به احادیث معتبر را یکی دیگر از راهکارهای روش صحیح تفسیر می‌داند. ایشان معتقد است: تفسیر آیات الاحکام بدون مراجعه به احادیث صحیح اسلامی امکان‌پذیر نیست؛ زیرا بیشتر آیات الاحکام مطلقاتی هستند که قیود آنها در لسان نبی اکرم و جانشینان معصوم ایشان علیهم السلام وارد شده و یا عموماتی هستند که مخصوص آنها بعداً در سنت نبی اکرم صلی الله علیه و آله بیان گردیده است (سبحانی، ۱۳۹۱، ص ۲۹۸).

ایشان در توضیح مبین بودن پیامبر و ائمه اطهار می‌فرماید: مطابق آیه ۴۴ سوره نحل «وَأَنْزَلْنَا إِلَيْكَ الذِّكْرَ لِتُبَيِّنَ لِلنَّاسِ مَا نُزِّلَ إِلَيْهِمْ وَ لَعَلَّهُمْ يَتَفَكَّرُونَ» خود قرآن به بیانات پیامبر که درباره تفسیر و توضیح آیات نازل شده، حجیت بخشیده و یکی از وظایف پیامبر این است که آیات نازل شده را برای امت بیان کند و مقصود از «مبیین» بیان‌کننده آیات مجمل و یا بیانگر ابعاد دیگری از معانی آیات قرآن است. در این صورت آنچه از پیامبر درباره شرایع و احکام وارد شده به حکم این آیه، حجت بوده و پیروی از آن لازم است؛ زیرا تقریباً همگی مربوط به تبیین و تشریح آیاتی است که اصول و کلیات آنها در قرآن وارد شده است. به حکم حدیث «ثقلین» و حدیث «سفینه نوح»،

گفتار پیشوایان شیعه مأخوذ از پیامبر گرامی ﷺ است و با توجه به این امور، موقعیت قرآن و گفتار پیامبر و جانشینان بر حق ایشان کاملاً روشن می‌گردد (سبحانی، ۱۳۸۳، ج ۱، ص ۴۰۵-۴۰۷).

ایشان معتقد است: زمانی که آیه‌ای برای تفسیر کلمات و یا آیات قرآن وجود نداشته باشد، باید دست به دامن روایات زد (همان، ج ۱۱، ص ۹۲). برای نمونه در بخش «سرگذشت آدم ابوالبشر» در تفسیر آیه «فَتَلَقَىٰ آدَمَ مِنْ رَبِّهِ كَلِمَاتٍ فَتَابَ عَلَيْهِ إِنَّهُ هُوَ التَّوَّابُ الرَّحِيمُ» (بقره: ۳۷) می‌نویسد: در اینجا آیه‌ای که این کلمات را برای ما توضیح دهد، وجود ندارد. از این رو باید دست به دامن احادیث بز نیم (همان، ص ۹۲-۹۳) و سه روایت از روایات فریقین را در تفسیر «کلمات» نقل می‌کند.

ایشان متذکر گردیده است که برای تفسیر و رفع ابهام از ظاهر آیات، باید یا از خود قرآن کمک بگیریم یا روایات صحیح. در غیر این صورت، نباید اظهار نظر کنیم (همان، ج ۱۲، ص ۲۱۳).

مؤلف **منشور جاوید** در مقدمه جلد دوازدهم، منابع خود را قرآن، روایات و اقوال مفسران معرفی کرده است (همان، ص ۴).

جدول ۱: نوع استفاده از روایات در تفسیر منشور جاوید

تعداد	نوع استفاده از روایت
۴۶	تأیید یک نظریه و احتمال
۱۴	شرح و تفسیر آیات
۱	مبارزه با اسرائیلیات
۲۱	بیان جزئیاتی که در قرآن نیامده
۱	مبارزه با اسرائیلیات
۶	سایر
۸۹	جمع کل

در جدول فوق نوع استفاده از روایات توسط مؤلف **منشور جاوید** بیان گردیده است. بیشترین استفاده از روایات در تأیید یک نظریه و احتمال است. در رتبه بعد استفاده از روایات در جهت بیان مطالب و جزئیاتی است که در قرآن نیامده است. برای نمونه، نسبت به هر بخش، مثالی را متذکر خواهیم شد:

#### ۴-۱-۲. تأیید یک نظریه و احتمال

در جواب این سؤال که آیا بهستی که آدم در آن آفریده شد، همان بهشت اخروی است یا بهشت دنیوی؟ مؤلف **منشور جاوید** احتمال اول را با توجه به ویژگی‌های بهشت اخروی در قرآن رد می‌کند و احتمال دوم را می‌پذیرد و برای تأیید این مطلب، این روایت را ارائه می‌دهد: هنگامی که حسن بن بسام از امام صادق ع از واقعیت بهشت آدم پرسید، امام در پاسخ فرمودند: «از باغ‌های دنیا بود و آفتاب و ماه بر آن طلوع می‌کرد، و اگر بهشت آخرت بود، هرگز از آن خارج نمی‌شد» (همان، ج ۱۱، ص ۷۹).

۲-۱-۴. شرح و تفسیر آیات

در مبحث قرآن و عصمت حضرت ایوب علیه السلام در تفسیر آیه «وَ اذْكُرْ عَبْدَنَا أَيُّوبَ إِذْ نَادَى رَبَّهُ أَنِّي مَسَّنِيَ الشَّيْطَانُ بِنُصْبٍ وَعَذَابٍ» (ص: ۴۱) می نویسد:

مقصود از «نصب» و «عذاب» که به معنای رنج و درد است، چیزی غیر از بیماری جسمی است، بلکه مقصود از آن همان شماتت راهبان بود که به تحریک شیطان، ایوب را شماتت می کردند. سپس روایتی از امام صادق علیه السلام که تفسیر مزبور را از آن برداشت نموده، نقل می کند که امام فرمودند: ایوب بی آنکه گناهی مرتکب شده باشد، دچار بلا گردید و استقامت ورزید تا آنکه مورد سرزنش قرار گرفت و پیامبران بر شماتت صبر نمی کنند (سبحانی، ۱۳۸۳، ج ۱۲، ص ۳۱۲).

۳-۱-۴. بیان مطالب و جزئیاتی که در قرآن نیامده

مؤلف منشور جاوید در بیان مبحث نجات حضرت یوسف علیه السلام از قعر چاه می نویسد: برخی از روایات متذکر دعایی هستند که در آن حال، یوسف آنها را زمزمه می کرد و می گفت: «اللَّهُمَّ إِنِّي أَسْأَلُكَ بِأَنَّ لَكَ الْحَمْدَ لَا إِلَهَ إِلَّا أَنْتَ الْمَنَّانُ، بَدِيعُ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ ذُو الْجَلَالِ وَالْإِكْرَامِ أَنْ تُصَلِّيَ عَلَيَّ مُحَمَّدٍ وَ آلِ مُحَمَّدٍ وَأَنْ تَجْعَلَ لِي مِمَّا أَنَا فِيهِ فَرَجًا وَ مَخْرَجًا» (همان، ج ۱۱، ص ۳۵۸).

۴-۱-۴. مبارزه با اسرائیلیات

ایشان در بیان سرگذشت داستان حضرت داود علیه السلام می نویسد: بسیاری از مفسران اهل سنت تحت تأثیر اساطیر تورات محرف قرار گرفته و چیزهایی را به داود علیه السلام نسبت داده اند که هرگز نمی توان به یک مؤمن عادل نسبت داد تا چه رسد به پیامبر الهی، و ما برای اینکه کتاب خود را با این اسطوره ها آلوده نسازیم از نقل آنها خودداری می کنیم، ولی حدیثی از امام صادق نقل می کنیم که او فرمود: «همه خواسته های مردم قابل انجام نیست و زبان های آنان بسته نمی شود. آیا همین مردم به داود علیه السلام نسبت ناروا ندادند و گفتند: او به دنبال مرغی بود، مرغ به خانه یکی از افسران ارتش به نام *اوریا* رفت و به خانه او نگریست...؟!» (همان، ص ۲۶۰-۲۶۱).

ایشان روایاتی را که با ظاهر آیات همخوانی ندارد، رد می کند. برای مثال، در تفسیر آیه ۴۲ سوره یوسف می نویسد: برخی می گویند که هر دو ضمیر به یوسف برمی گردد: «...أَذْكُرُنِي عِنْدَ رَبِّكَ فَانْسَاهُ الشَّيْطَانُ ذِكْرَ رَبِّهِ...» و شیطان موجب شد که یوسف یاد خدای ذوالجلال را فراموش کند و به جای اینکه به خدا استغاثه کند، به بشر پناه برد و از او کمک طلبید و نتیجه این ترک اولی آن شد که او مدت ها در زندان ماند.

گرچه این تفسیر در روایات فریقین وارد شده، ولی این روایات غالباً مرسل و فاقد سند است و احیاناً به روایانی مثل *ابوهریره* منتهی می شود و بعید نیست که احبار و راهبان در انتشار این گزارش ها دست داشته باشند. قرآن حضرت یوسف علیه السلام را از مخلصان می شمارد و می فرماید که شیطان به مخلصان راهی ندارد. پس یوسف علیه السلام به حکم اینکه از مخلصان است، بالاتر از آن است که شیطان به او راهی داشته باشد (همان، ص ۴۰۳).



جدول ۲: نوع بیان روایت در تفسیر منشور جاوید

تعداد	شکل بیان روایت
۷۸	بیان روایت با لفظ همراه ذکر منبع
۵	بیان روایت با لفظ بدون منبع
۵	بیان روایت بدون ذکر لفظ و منبع
۸۸	جمع کل

در جدول بالا نوع بیان روایت از لحاظ ذکر لفظ و منبع نشان داده شده که بیشترین تعداد مربوط به بیان روایت همراه با لفظ و ذکر منبع است.

#### ۱-۲. نظم ترتیبی و نظم موضوعی آیات در «منشور جاوید»

تفسیر موضوعی به صورت‌های گوناگون همیشه مطرح بوده است. فقیهان از پیشگامان طرح «تفسیر موضوعی» بوده‌اند؛ زیرا آیات مربوط به مسائل فقهی را مورد بحث قرار داده‌اند. در طول تاریخ، قرآن پژوهان فراوانی بوده‌اند که تنها بخش‌هایی از قرآن را مد نظر قرار داده‌اند؛ مانند نگارندگان *غریب القرآن*، *تفسیر متشابه القرآن*، *تفسیر آیات مشکله قرآن*، *توحید و شرک در قرآن*، و *زن از دیدگاه قرآن*.

#### ۱-۲-۱. روش‌های تفسیر موضوعی

در تفسیر موضوعی همواره دو نوع روش مطرح بوده است:

##### ۱-۱-۲. گونه اول

سرفصل موضوعاتی مانند توحید، شرک و توکل از قرآن استخراج می‌شود و مفسر با در نظر گرفتن مجموع آنها موضوع را بررسی می‌کند؛ مانند *پیام قرآن استاد ناصر مکارم شیرازی*، *تفسیر موضوعی استاد عبدالله جوادی آملی* و *منشور جاوید استاد جعفر سبحانی*.

##### ۲-۱-۲. گونه دوم

موضوعات از خارج قرآن و از نیازهای عینی جامعه استخراج می‌شود، سپس از نظر قرآن مورد بررسی قرار می‌گیرد، با این باور که قرآن همواره پاسخگوی نیازهای روز است. این روش شهید صدر است.

#### ۱-۲-۱. بررسی میزان تعهد «منشور جاوید» به نظم ترتیبی آیات

گردآوری موضوعی آیات و تفسیر موضوعی قرآن دو مقوله جدای از هم هستند که قرآن پژوهان به آنها توجه کرده‌اند. اما چون آیات قرآن هر کدام موضعی معین و توقیفی دارند، بدین معنا که آیات در یک چینش و سیاق قرار دارند، بر روش تفسیر موضوعی اشکال نموده‌اند که آیا در تفسیر موضوعی نظم ترتیبی آیات لحاظ می‌شود یا آیات از رهگذر همشینی در سایه نظم موضوعی فهمیده می‌شوند؟

در این زمینه در هر موضوعی باید به دو سؤال پاسخ داده شود:

۱- آیا نظم ترتیبی آیات در تفسیر **منشور جاوید** مورد توجه قرار گرفته است؟

۲- آیا مفسر در روش تفسیر موضوعی ضمن رعایت نظم ترتیبی، از رهگذر همنشینی آیات در کنار یکدیگر، اضلاع و ابعاد و چهره‌های دیگر آیات را آشکار نموده است؟

در این زمینه می‌توان موضوعات بسیاری را از تفسیر **منشور جاوید** بررسی کرد؛ نظیر توحید در عبادت، توحید در اطاعت، توحید در حاکمیت و مانند آن، و سیاق آیات و مدالیل و مفاهیم آنها را در تفسیر ترتیبی بررسی کرد، سپس میزان اهتمام و توجه **آیت‌الله سبحانی** به نظم ترتیبی آیات را سنجید. (البته نگارنده ادعا نمی‌کند تمام موضوعات مطرح در این تفسیر همین قاعده را رعایت کرده، اما غالباً این مسئله مورد دقت و توجه نگارنده تفسیر **منشور جاوید** بوده است.) بررسی همه موضوعات از حوصله این بحث خارج است و تنها به بررسی یک نمونه اکتفا می‌گردد:

#### ۲-۱-۷-۱. مسئله توحید در عبادت

«قل یا اهل الكتاب تعالوا الی کلمة سواء بیننا و بینکم الا نعبد الا الله و لانشکر به شیئاً...» (آل عمران: ۶۴)؛ بگو: ای اهل کتاب، بیایید بر سر سخنی که میان ما و شما یکسان است بایستیم، که جز خدا را نپرستیم و چیزی را شریک او نگیریم... .

#### ۲-۱-۷-۱-۱. سیاق کل سوره

سوره آل عمران در مدینه و در زمانی نازل شده است که دعوت پیامبر ﷺ گسترش یافته بود؛ زیرا در این سوره ماجرای جنگ احد و مباحله مطرح شده است.

سوره بقره با بیان توحید و ایمان به خدا خاتمه یافته و سوره آل عمران نیز با همین محتوا آغاز شده است. (طبرسی، ۱۳۷۹، ج ۱، ص ۴۵۴؛ طباطبائی، ۱۴۰۲، ج ۳، ص ۲).

#### ۲-۱-۷-۱-۲. محتوای سوره

در سوره آل عمران ماجرای جنگ احد، مباحله، دعوت به توحید و ایمان، استقامت در راه اسلام، مبارزه منطقی با یهود و مسیحیان و مشرکان، درس‌های تربیتی برای مسلمانان درباره پیشرفت اسلام، نفی عقاید باطل و مانند آن آمده است (مکارم شیرازی، ۱۳۷۱، ج ۲، ص ۳۰۰).

#### ۲-۱-۷-۱-۳. شأن نزول آیه

در این زمینه که آیه ۶۴ سوره آل عمران درباره چه کسانی نازل شده، اختلاف نظر است:

الف. عده‌ای می‌گویند: درباره نصاری نجران نازل شده است.

ب. برخی دیگر می‌گویند: درباره یهود مدینه نازل شده است.

ج. دسته‌ای دیگر می‌گویند: آیه درباره هر دو گروه از اهل کتاب نازل شده است.

صاحب کتاب **مجمع البیان** معتقد است: نظریه سوم درست است؛ زیرا آیه عمومیت دارد (طبرسی، ۱۳۷۹، ج ۱، ص ۴۵۴).

اوایل این سوره تا قریب هشتاد و چند آیه درباره هیأت اعزامی از نجران نازل شده که چهار تن ایشان از اشراف و سه تن پیشوا بودند. آنان نزد پیامبر آمدند و در مسجد پیامبر نمازشان را به طرف مشرق خواندند. پس از آن با رسول خدا صحبت کردند. حضرت به ایشان فرمودند: باید اسلام بیاورید. گفتند: ما قبل از تو اسلام آورده‌ایم. پیامبر ﷺ فرمودند: شما دروغ می‌گویید و تسلیم دین خدا نیستید؛ زیرا شما برای خدا فرزند قابل هستید و... در نهایت، مسیحیان از جواب عاجز ماندند و خدا آیات سوره آل عمران را از اول تا هشتاد و چند آیه در این باره نازل کرد (طباطبائی، ۱۴۰۲ق، ج ۳، ص ۲).

#### ۴-۱-۷-۲. سیاق آیات

خدا در این آیات، ابتدا مسیحیان را به استدلال منطقی دعوت کرده است؛ یعنی دعوت به اسلام و خصوصیات آن. آن‌گاه پس از احتجاج با اهل کتاب، چون آنان مخالفت کردند، به مباحثه دعوت شدند. اما آنان حاضر به مباحثه نشدند. با این وجود، چون دعوت به مباحثه در روحیه آنان اثر گذاشت، خدا از این آمادگی روحی استفاده نمود و مجدد استدلال آورد و در این استدلال به نقطه‌های مشترک بین اسلام و اهل کتاب دعوت نمود و در حقیقت آیه ۶۴ سوره آل عمران ندای وحدت در برابر اهل کتاب است و به آنها می‌فرماید:

شما قابل به وحدت در تثلیث هستید و میان تثلیث و توحید تفاوت قابل نمی‌شوید. همچنین یهود در عین سخنان شرک‌آمیز، عزیر را پسر خدا می‌دانند و با این وجود، مدعی توحید هستند. پس همه در اصل توحید اشتراک داریم. حال این اصل مشترک را بی هیچ پیرایه و شبهه‌ای زنده کنید: «أَلَا تَعْبُدُونَ إِلَّا اللَّهَ وَ لَانْشُرَكَ بِهِ شَيْئاً»؛ یعنی مسیح را نباید رب دانست و نباید بی قید و شرط از دانشمندان منحرف که حلال و حرام الهی را به میل خود تغییر می‌دهند، پیروی کرد (مکارم شیرازی، ۱۳۷۱، ج ۶ ص ۴۴۹؛ طبرسی، ۱۳۷۹، ج ۱، ص ۴۵۴).

#### ۴-۱-۷-۲. تفاسیر آیه «قل یا اهل الکتاب...»

**آیت الله سبحانی** در این باره بیان می‌دارد: از اساسی‌ترین دستورات آسمانی و هدف تمام انبیا دعوت به توحید و یکتاپرستی و مبارزه با شرک است. قرآن یکتاپرستی را اصل مشترکی میان تمام شرایع آسمانی معرفی می‌کند و می‌فرماید: «قل یا اهل الکتاب تعالوا الی کلمة سواء بیننا و بینکم أَلَا تَعْبُدُونَ إِلَّا اللَّهَ وَ لَانْشُرَكَ بِهِ شَيْئاً» (آل عمران: ۶۴). توحید در عبادت چیزی نیست که فقط گروه خاصی آن را به خود نسبت دهند، بلکه اصل استواری است که در میان مسلمانان کسی با آن مخالفت نکرده است (سبحانی، ۱۳۸۳، ج ۲، ص ۳۸۱).

خطاب در این آیه، به عموم اهل کتاب است. مراد از «کلمه» توحید است. «سواء» به دو معناست: یکی مساوی

و دیگر عدل و انصاف که به هر معنا بگیریم، جمله «ألا تعبد الا الله» تفسیر «کلمه سواء» است. پس معنای آیه چنین می‌شود: «بگو: بیاید به سوی این کلمه؛ یعنی به سوی اینکه غیر خدا را نپرستیم». «ألا تعبد الا الله» اشاره به نفی شرک در عبادت است که مطابق کلمه «لا اله الا الله» است و «لانشرک به شیئاً» اشاره به توحید افعالی است. تعبیر به «شیء» شامل ذوی‌العقول و غیر آنها می‌شود.

دعوت در آیه، فقط دعوت به اعتقاد توحید نیست، بلکه دعوت به توحید عملی است که همان ترک پرستش غیر خداست. مراد از جمله «ألا تعبد الا الله» نفی عبادت غیر خداست، نه اثبات عبادت خدا؛ زیرا سیاق کلام نفی شرک است.

شرک در عبادت و شرکی که اعتقاد به فرزنددار بودن خدا و اعتقاد به سه‌خدایی از آن نشئت می‌گیرد، با جمله «ألا تعبد الا الله» ریشه‌کن نمی‌شود. از این رو به دنبالش فرموده است: «و لانشرک به شیئاً و لایتخذ بعضنا بعضاً ارباباً من دون الله» (طباطبائی، ۱۴۰۲ق، ج ۳، ص ۲۷۰؛ طیب، ۱۴۱۱ق، ج ۳، ص ۲۳۵).  
 «فان تولوا فقولوا اشهدوا بأنا مسلمون»؛ ای مسلمانان! در برابر اعراض ایشان از توحید و برای تجدید اقرار به توحید و حق و به خاطر مخالفت با آنها بگویید: «اشهدوا بأنا مسلمون»؛ یعنی:

۱. با اخلاص به توحید اقرار داریم.  
 ۲. برخی دیگر گفته‌اند: یعنی مطیع آنچه خدا و محمد ﷺ و انبیای قبل فرموده‌اند، هستیم.  
 ۳. برخی دیگر می‌گویند: یعنی بر اسلام پابرجاییم (طیب، ۱۴۱۱ق، ج ۳، ص ۲۳۵؛ طبرسی، ۱۳۷۹، ج ۱، ص ۴۵۴).  
 با جمله «اشهدوا بأنا مسلمون» به اهل کتاب اخطار کرده که سرپیچی آنان از حق در روح مؤمنان اثر نمی‌گذارد و بر اسلام باقی خواهند ماند (مکارم شیرازی، ۱۳۷۱، ج ۲، ص ۴۴۹).  
 در نتیجه می‌توان این‌گونه بیان داشت:

«توحید» به معنای یگانه و بی‌نظیر و بی‌همتا بودن است و «عبادت» به معنای فرمانبری و نهایت خضوع است. پس «توحید در اطاعت» همان یکتاپرستی و عدم شرک است. سیاق موضوع آیه درباره اعتقادات مسیحیان و یهودیان در زمینه توحید است که مسیحیان معتقد به تثلیث بوده‌اند و یهودیان عزیر را فرزند خدا می‌دانسته‌اند که این همان شرک و نفی توحید است و در تفاسیر آمده که آنان بی قید و شرط از دانشمندان خود اطاعت می‌کردند و این عبادت و پرستش است. در آیه ۶۴ سوره آل عمران هم آنان را به توحید که اصل مشترک بین تمام ادیان است دعوت کرده است؛ زیرا مسیحیان و یهودیان بین اعتقادات خود و توحید تفاوتی قایل نمی‌شدند و در این آیه اصل توحید را برای آنان بیان کرده و توحید اصیل را نشان داده است. بنابراین گفتار *آیت‌الله سبحانی* در تفسیرشان با قرینه سیاق موضوعی آیه تأیید می‌شود.

از رهگذر همنشینی آیات و مفاهیم مربوط به آن، آیه شامل نکات ذیل می‌شود:

- بحث توحید و مراتب فردی و اجتماعی آن؛

- نشان دادن نحوه برخورد با مخالفان حق که قرآن در تعامل با اهل کتاب، ابتدا راه جنگ و ستیز را برنگزیده، بلکه انگشت بر روی نقطه اشتراک (یعنی وحدت ادیان در مسئله عبودیت پروردگار) گذاشته است.

- به جنبه عملی ادیان که همان نفی شرک و تسلیم شدن در برابر خداست، اشاره کرده است. آیه متضمن مفهوم صلح و روابط مسالمت‌آمیز است که ناشی از مبانی اساسی ادیان است و شامل بحث وحدت ادیان و گفت‌وگوی ادیان می‌شود که مبتنی بر مبادی مشترک است. *آیت‌الله سبحانی* به طور کلی به این مطالب اشاره نموده است.

به همین شیوه می‌توان نظم ترتیبی و نظم موضوعی و موضوعات گوناگون در تفسیر **منشور جاوید** را بررسی کرد و به این نتیجه دست یافت که نویسنده در تدوین کتاب به این دو نظم دقت خاص داشته است.

## ۲-۲. تفسیر ترتیبی

اگرچه *آیت‌الله سبحانی* تک‌نگاری‌هایی نیز در تفسیر برخی سوره‌های قرآن به سبک تفسیر ترتیبی دارد که به آنها اشاره شد، اما اثر مهم تفسیر ترتیبی ایشان کتاب *منیة الطالبین فی تفسیر القرآن المبین* است. این کتاب جدیدترین اثر قرآنی ایشان است که با قلمی روان و فاخر نوشته شده و اخیراً انتشار یافته است. حتی این تفسیر را می‌توان پس از **تفسیر تسنیم**، جدیدترین تفسیر ترتیبی کامل نگارش یافته به قلم عالمان بزرگ شیعی معاصر قلمداد کرد.

در تألیف و انتشار این تفسیر جدید، *استاد سبحانی* رویه‌ای متفاوت با رویه دیگر تفسیرهای ترتیبی داشته است. مفسرانی که قرآن کریم را به ترتیب سوره آن تفسیر می‌کنند، جلد اول تفسیرشان را به تفسیر سوره حمد و سوره بقره اختصاص می‌دهند، البته با مقدمه‌ای که در آن به رویکرد و روش خود اشاره می‌کنند. اما *آیت‌الله سبحانی* تفسیر *منیة الطالبین* را از جزء آخر قرآن آغاز کرده و جلد ۳۰ این کتاب به تفسیر و تبیین سوره‌های نبأ تا ناس اختصاص یافته و به همین صورت جلد‌های ۲۹، ۲۸، ۲۷ و... به اجزای جلوتر که به تدریج انتشار یافته است.

مفسر بنایش این بوده که هر جلد از تفسیر او، به یک جزء قرآن اختصاص یابد، ولی این محاسبه محقق نگردیده و در نتیجه، از تفسیر سوره فاتحه تا سوره ناس، در ۲۸ جلد به ثمر رسیده و با افزودن دو جلد مباحث مقدماتی، ۳۰ جلد شده است. جلد سی‌ام این تفسیر قبل از دیگر جلد‌ها در سال ۱۳۹۱ انتشار یافت و مفسر در آن به تفصیل، به تفسیر سوره‌های جزء آخر قرآن پرداخته است و این خود تفاوتی مهم بین تفسیر *منیة الطالبین* با دیگر تفاسیر ترتیبی قرآن به شمار می‌آید؛ زیرا معمولاً در تفاسیر ترتیبی وقتی به تفسیر جزء آخر قرآن می‌رسند، با ارجاع به مباحث گذشته، تفسیر سوره و آیات این جزء را با اختصار تفسیر می‌کنند و رد می‌شوند و به تفصیل بحث تفسیری نمی‌کنند.

ایشان در مقدمه کوتاه جلد ۳۰ آرزو کرده است: «این تفسیر خوانندگان گرامی را در فهم معانی و اسرار قرآن و معرفت مفاهیم و احکام کلام الهی و ادراک مقاصد و آیات کلام‌الله کمک کند». ایشان انگیزه خود را از نوشتن این

تفسیر تلاش برای تقدیم تفسیری جامع و آسان دانسته است تا نیازهای مدرّسان و مبلغان را در درس‌ها و بحث‌ها برای توضیح و تبیین آیات کریمه قرآن تأمین نماید (سبحانی، ۱۳۹۵، ج ۳۰، ص ۷).

جلدهای ۱ و ۲ این تفسیر در حجم و صفحاتی کمتر از جلد‌های تفسیری دیگر، به «علوم قرآن» اختصاص یافته و از جلد ۳ تا جلد ۳۰ (۲۸ جلد) به تفسیر ترتیبی تمام سوره قرآن کریم اختصاص دارد. مفسر در این تفسیر بنایش بر تألیف و پدید آوردن تفسیری جامع است که هم از ویژگی‌های علمی و ادبی برخوردار باشد و هم در بردارنده مباحث کلامی، عقایدی، تاریخی و روایی باشد.

این اثر پربار و ارزنده دارای ویژگی‌هایی است که در تفاسیر معاصر کمتر به چشم می‌خورد یا اصلاً در آنها مد نظر قرار نگرفته است. در ذیل، به مهم‌ترین آنها اشاره می‌شود:

#### ۱-۲. توجه به نقش پایه‌ای علوم قرآن در تفسیر قرآن

یکی از مفیدترین و بزرگ‌ترین زحمات حضرت استاد سبحانی در تفسیر *منیة الطالبین* پرداختن به موضوع علوم قرآنی و مباحث آن در ابتدای تفسیر است. بعد از آن وارد مباحث تفسیر قرآن شده است (سبحانی، ۱۳۹۵، ج ۱، ص ۷). البته خود مؤلف خاطر نشان می‌سازد نگارش مباحث علوم قرآنی بعد از فارغ شدن از تفسیر قرآن بوده، ولی هنگام چپ‌شدن، در جلد‌های ابتدایی قرار گرفته است:

...فهمذہ صحائف فی علوم القرآن الکریم، و قد قمت بتحریرها بعد أن فرغت عن تفسیره، فأحببت أن أکملها بتألیف آخر فصار المجموع بحمد الله - موسوعة تفسیریة كاملة... (همان).

یکی از سنت‌های مفسران بزرگ شیعه و اهل سنت بیان مباحث علوم قرآنی به‌مثابه نظرات پایه تفسیر خویش بوده است که از خلال آن می‌توان دیدگاه‌ها و نظریات تفسیری آنان را به خوبی دریافت. این شیوه در *مجمع البیان* شیخ طبرسی با بیان فتون مقدماتی در مقدمه وی خود را نمایان می‌سازد (طبرسی، ۱۳۷۹، ج ۱، ص ۱۱). در *تفسیر عیاشی* این مطلب به شیوه خاص خود به چشم می‌خورد (عیاشی، ۱۳۸۰، ج ۱، ص ۲).

البته بیشتر مفسران بزرگ به بیان مقدماتی خاص تفسیر خود و برای فهم بهتر مباحث تفسیری به آنها پرداخته‌اند؛ اما پرداختن به مسئله علوم قرآنی و بیان مسائل مهم و بحث‌برانگیز در این زمینه از خصوصیت‌های منحصر به فرد این اثر عظیم است که خوانندگان را با مهم‌ترین مباحث علوم قرآنی در عصر حاضر آشنا می‌سازد. خود استاد در این باره بیان می‌دارد:

...نحن نختار من المسائل الثمانین التي بحث فيها جلال‌الدین السیوطی أو الأریعین مسألة التي طرحها الزرکشی ما هو المهم في حياتنا المعاصرة، التي وقعت مورداً للسؤال و الانتقاد... و نترك دراسة ما يرجع إلى علوم البلاغة أو التویجات التي لا ثمره مهمة فيها... (سبحانی، ۱۳۹۵، ج ۱، ص ۱۹)؛

از مسائل کلانی که افرادی همچون *جلال‌الدین سیوطی* و *زرکشی* بیان داشته‌اند، صرفاً مسائلی در علوم قرآن بررسی می‌گردد که برای عصر حاضر اهمیت دارد و مبتلابه است. البته *آیت‌الله سبحانی* در بیان مباحث به همین

اکتفا نکرده و مسائل جدیدی همچون گرایش‌ها (سبحانی، ۱۳۹۵؛ همان، ج ۲، ص ۲۲۴، المبحث السادس والعشرون، أنواع الاهتمامات التفسيرية) و روش‌های تفسیری را نیز در مبحث خاص خود (ر.ک. همان، ج ۲، ص ۲۰۱، المبحث الخامس والعشرون، المناهج التفسيرية) بیان داشته که در گذشته به آن کمتر توجه شده و دیری نیست که اندیشمندان درباره آن موضوع به تألیف پرداخته‌اند.

در خلال این مباحث، از ابتدا به فرق تفسیر و علوم قرآنی پرداخته و مباحث مهمی از علوم قرآن همچون کیفیت نزول قرآن (سبحانی، ۱۳۹۵، ج ۱، ص ۳۷)، تواتر قرائات سبع (همان، ج ۱، ص ۷۳)، مسئله جمع قرآن در عصر پیامبر ﷺ (همان، ج ۱، ص ۹۴)، تحریف قرآن کریم (همان، ج ۱، ص ۱۱۶)، ناسخ و منسوخ (همان، ج ۱، ص ۱۷۳) و مانند آن را مطرح کرده و دیدگاه‌های مخالفان را بررسی و به رد و ابطال نظریه نادرست و تبیین نظریه صحیح همت گمارده است.

### ۲-۲-۲. خرق سنت سلف در بیان تفسیر

از جمله خصوصیت‌های تفسیر منیة الطالبین نظم در چینش مطالب و خرق سنت مفسران گذشته در بیان مباحث تفسیر است. کتاب‌های تفسیر قرآن کریم هر یک چیدمان خاصی دارند و هر مؤلف شیوه خود را از ابتدا تا انتها ادامه داده و از آن تخطی نکرده است. مفسران متقدم صرفاً به روایات تفسیری در ذیل آیات قرآن می‌پرداختند و از آیاتی را که درباره آنها روایتی ذکر نشده بود، به صورت گذرا عبور می‌کردند.

بعد از تفاسیر اولیه شیعه، مفسران متأخر به تفسیر خود رنگ جدیدی دادند و ذیل آیات، به تقسیم‌بندی‌هایی پرداختند. برای مثال، **تفسیر تبیان** غالباً ذیل هر آیه یا مجموعه آیات، مسائلی را بررسی می‌کند که عبارت‌اند از: قرائت، اعراب، لغت، تفسیر (طوسی، ۱۳۸۹ق، ج ۱، ص ۳۳) و یا در تفسیر **مجمع البیان** مرحوم طبرسی ﷺ مسائلی مانند قرائت، اعراب، نزول، لغت، معنی را بیان و بررسی کرده است.

این نوع تقسیم‌بندی در تفسیر منیة الطالبین به صورت منظم به یک دسته‌بندی ثنایی تبدیل شده و در ذیل هر آیه یا مجموعه آیات، از مفردات (توضیح و تبیین لغات آیات) و تفسیر آیات بحث شده و از این روش در هیچ جا تخطی نشده و یا در جایی کم و یا زیاد نشده است. این نظم در بیان مباحث و چینش آنها که در هیچ آیه‌ای از آن عدول نگردد، از مزیت‌های خاص این تفسیر است که کار مراجعه به آن را برای خواننده آسان می‌سازد.

### ۲-۲-۳. جامعیت موضوعی

یکی از مسائلی که در این اثر به چشم می‌خورد «جامعیت موضوعی» آن است. مقدمه مؤلف را که در جلد سی‌ام کتاب مشاهده کنیم، انگیزه او را از نگارش این تفسیر درمی‌یابیم:

...أن الذی دعانا للقیام بهذا العمل هو محاولة تقديم تفسیر جامع میسر یكون مصدراً لما یحتاج إلیه المدرسون و المبلغون فی دروسهم و محاضراتهم فی توضیح الآیات الکریمة و تقریبها إلی أذهان الناشئة المؤمنة... (سبحانی، ۱۳۹۵، ج ۳۰، ص ۷).

باید خاطر نشان ساخت که بر صفحه آغازین این کتاب این ادعا به عنوان یک ویژگی منحصر به فرد این اثر نگاشته شده است: «تفسیر علمی، ادبی، یحوی علی اباحت کلامیه و عقائديه و تاريخيه و روائيه...» (همان، ج ۳۰، صفحه آغازین). نگارنده در لابه لای تفسیر خود درصدد اثبات این ادعا برآمده است. برای مثال، مؤلف به تناسب آیه ۲۳ و ۲۴ سوره بقره که در آن با منکران و مخالفان قرآن تحدی کرده، رساله مفصلی از نوشته های پیشین خود درباره «عجاز قرآن و ارکان و شواهد آن» را ضمیمه کتاب کرده و به تناسب بحث پرننگ «عجاز قرآن» در این جلد در مقدمه اش می نویسد:

از آنجایی که رسالت محمدیه رسالت جاودانه و پایدار تا قیامت است، چراکه خداوند با آن باب نبوت و وحی آسمانی را خاتمه داده، همین خود می طلبید که رسالت حضرت ختمی مرتبت مقرون به معجزه جاودانه ای باشد که به رغم گذشت نسلها، درخشان و نورانی باقی باشد تا بر صدق دعوت و رسالت پیامبر اکرم ﷺ دلالت کند. در نتیجه خداوند پیامبر خویش را به برترین معجزه تأیید نمود که همانا «قرآن مبین» است (همان، ج ۳، ص ۴۵۸).

البته برای موضوعات دیگر هم شاهد مثال های فراوانی وجود دارد که در اینجا برای پرهیز از اطاله کلام از آن صرف نظر می شود.

### نتیجه گیری

یکی از عالمان برجسته حوزه علمی قم در عرصه تفسیر قرآن *آیت الله جعفر سبحانی* است که هم در تفسیر ترتیبی و هم تفسیر موضوعی آثار ارزشمندی را به رشته تحریر درآورده است که از آن میان، کتاب های *منشور جاوید* و *مفاهیم القرآن و تفسیر منیه الطالبین* ایشان پرآوازه ترند.

*آیت الله سبحانی* دارای شخصیت علمی جامع و ممتازی است و آثار تفسیری ایشان بر مطالعات قرآنی معاصر اثرگذار بوده است. ویژگی هایی که در فعالیت ها و تألیفات و پژوهش های تفسیر موضوعی ایشان مشهود است عبارتند از: اولویت دهی به تفسیر موضوعی، توجه به مباحث کلامی و شبهات کلامی، توجه به روش «تفسیر قرآن به قرآن»، اجتهاد در به کارگیری روایات تفسیری، رعایت نظم ترتیبی و موضوعی در تفسیر.

اما ویژگی مرتبط با آثار ایشان در تفسیر ترتیبی قرآن را می توان پرداختن فراگیر به مباحث علوم قرآن با توجه به نقش پایه ای آنها برای تفسیر قرآن، خرق سنت های گذشته در تألیف تفسیر قرآن بر حسب ترتیب مصحف و سرانجام جامعیت موضوعی مباحث در تفسیر هر دسته از آیات برشمرد. هر یک از این ویژگی ها و مجموع آنها در تکوین جایگاه ممتاز ایشان به عنوان مفسری توانا مؤثر و نقش بوده است.



## منابع

- باقری زارع، بهزاد، ۱۳۹۵، **مبانی و روش تفسیری آیت الله سبحانی در تفسیر منیه الطالبین فی تفسیر القرآن المبین**، پایان نامه کارشناسی ارشد، قرآن و حدیث، دانشکده علوم و معارف قرآن، دانشگاه قم.
- پایگاه اطلاع رسانی دفتر آیت الله سبحانی، [www.tohid.ir](http://www.tohid.ir).
- پرچم، اعظم، ۱۳۸۹، «جایگاه سیاق و نظم موضوعی آیات در تفسیر منشور جاوید»، **مشکوئه**، ش ۱۰۸، ص ۸۱-۹۷.
- رضایی اصفهائی، محمد علی، ۱۳۸۲، **درسنامه روش ها و گرایش های تفسیر قرآن کریم**، قم، مرکز جهانی علوم اسلامی.
- سبحانی تبریزی، جعفر، ۱۳۹۱، تفسیر آیات مشکله قرآن، چ پنجم، قم، مؤسسه امام صادق علیه السلام.
- \_\_\_\_\_، ۱۳۸۲، **منشور جاوید**، چ دوم، قم، مؤسسه امام صادق علیه السلام.
- \_\_\_\_\_، ۱۳۸۳، **منشور جاوید**، چ سوم، قم، مؤسسه امام صادق علیه السلام.
- \_\_\_\_\_، ۱۳۹۵، **منیه الطالبین فی تفسیر القرآن المبین**، قم، مؤسسه امام صادق علیه السلام.
- \_\_\_\_\_، ۱۴۲۰، **مفاهیم القرآن**، چ دوم، قم، مؤسسه امام صادق علیه السلام.
- \_\_\_\_\_، ۱۴۲۲، **المناهج التفسیریة**، چ سوم، قم، مؤسسه امام صادق علیه السلام.
- طالبی، زهرا، ۱۳۹۰، **بررسی تطبیقی مبانی و شیوه های تفسیری آیت الله جوادی آملی و آیت الله سبحانی در تفسیر موضوعی (با محوریت منشور جاوید و تفسیر موضوعی جوادی آملی)**، پایان نامه کارشناسی ارشد، علوم قرآن، دانشکده الهیات و معارف اسلامی شهید مطهری، دانشگاه فردوسی مشهد.
- طباطبائی، سیدمحمدحسین، ۱۴۰۲، **المیزان فی تفسیر القرآن**، چ سوم، تهران، دارالکتب الاسلامیه.
- طبرسی، فضل بن حسن، ۱۳۷۹، **مجمع البیان فی تفسیر القرآن**، مقدمه محمد جواد بلاغی، چ هفتم، تهران، ناصر خسرو.
- طوسی، محمدبن حسن، ۱۳۸۹ق، **التبیان فی تفسیر القرآن**، لبنان، دارالاحیاء التراث العربی.
- طیب، عبدالحسین، ۱۴۱۱ق، **اطیب البیان در تفسیر قرآن**، چ دوم، تهران، اسلام.
- علیانسب، سیدضیاءالدین و رقیه فردی، ۱۳۹۷، بررسی روش تفسیری آیت الله سبحانی در تفسیر موضوعی منشور جاوید، **در: اولین همایش بررسی اندیشه های آیت الله سبحانی**، تبریز.
- عباشی، محمدبن مسعود، ۱۳۸۰ق، **التفسیر**، تحقیق هاشم رسولی، تهران، مکتبه العلمیه الاسلامیه.
- معرفت، محمدهادی، ۱۴۱۹ق، **التفسیر و المفسرون فی ثوبه الغنسیب**، مشهد، الجامعه الرضویه للعلوم الاسلامیه.
- مکارم شیرازی، ناصر، ۱۳۷۱، **تفسیر نمونه**، چ دهم، تهران، دارالکتب الاسلامیه.
- مؤدب، سیدرضا، ۱۳۹۰، **روش های تفسیر قرآن**، قم، دانشگاه قم.